

مؤلفه‌های دینداری و راه‌های پرورش آن در قرآن و حدیث*

دکتر سهراب مروتی

(استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه ایلام)

Sohrab-morovati@yahoo.com

کبری ستایش

(دانشجوی کارشناسی ارشد الهیات / علوم قرآن و حدیث)

k.setayshsetaysh@yahoo.com

چکیده: تاریخ زندگی انسان گویای این حقیقت است که دین کارآمدترین روش‌شناسی برای آرامش دینداران ارائه کرده است. هرچند که مؤلفه‌های دینداری در متون دینی به اشکال گوناگونی گزارش شده است، اما باز مطالعه و انتظام بخشی به آنها از ضروریات مباحث مربوط به دین است. در این پژوهش درصدد آنیم که با ارائه تعریف دینداری، مؤلفه‌های وابسته به آن را گزارش و با پردازش به ابعاد سه‌گانه شناختی، عاطفی و عمل‌کردی در حوزه دینداری، راهکارهای راهبردی تعمیق دینداری را ارائه کنیم.

کلیدواژه‌ها: دینداری، مراتب دینداری، مؤلفه‌های دینداری، پرورش دینداری.

بیان مسئله

دین استوارترین ستون حیات مادی و معنوی و امنیت روانی آدمی است که به او عزت و شرافت می‌بخشد و نور ایمان و اخلاص را در جانش برمی‌فروزد. دینداری نهادی کردن تعالیم و ارزش‌های دینی است در همه ابعاد آدمی، که ثمرات بی شماری دارد و در لباس یقین، صبر و تسلیم، وفاداری، پارسایی، جهاد و تلاش و... جلوه می‌کند. امام علی (ع) می‌فرماید: «من رزق الدین فقد رزق خیر الدنیا و الاخرة» (آمدی ۱۳۶۶: ج ۵، ۳۱۲). هرکس روزی داده شده دینداری، پس به تحقیق که به او خیر دنیا و آخرت روزی داده شده است. اما پیوسته عواملی به صورت پیدا و پنهان، دینداری را تهدید می‌کنند. بررسی راهکارهای پرورش دینداری، از جهات مختلف اهمیت دارد زیرا بشر در پی پیشرفت‌های خود و بهره‌گیری نادرست از آنها، با بحران‌های مختلف معرفتی، اخلاقی و... روبرو شده است و در باب اساسی‌ترین آموزه‌های دینی و نیز مسائل اخلاقی و عملی دین برخی انکار یا تردید کرده‌اند، و به ناکارآمدی دین در زندگی فردی و اجتماعی تأکید می‌کنند. در نتیجه این عوامل موجه تضعیف باورهای دینی دینداران می‌شود. در این شرایط دیندار واقعی به سلامت فهم خود از دین، عمل به احکام دینی و دفاع از حریم دین و دیانت می‌اندیشد و در پی این اندیشه به دنبال راه‌هایی برای پرورش دینداری می‌شود. اولین گام در این زمینه شناخت این راه‌هاست و بهترین منبع شناخت، قرآن و حدیث است. اما در اینجا مسئله اصلی این است که مؤلفه‌های دینداری کدام‌اند و در منابع اسلامی چه راهکارهایی برای پرورش مطلوب دینداری ارائه شده است؟

بررسی و نقد پیشینه موضوع تحقیق

درباره از موضوع دینداری با توجه به این که واژه‌ای نوظهور است، در قرآن کریم و متون حدیثی به صورت مستقل بحث نشده است. صرفاً یا نظر به تفسیر برخی آیات

قرآن کریم و واژگان محوری احادیث، می‌توان مباحث مربوط به دینداری را استخراج کرد. هم‌اکنون نیز کتاب‌ها و مقالات گوناگونی در این حوزه تدوین شده است که در آنها به بررسی جنبه‌هایی از موضوع پرداخته‌اند. اما، موضوع خاص «مؤلفه‌های دینداری و راه‌های پرورش آن در قرآن و حدیث» چندان پژوهشی صورت نگرفته است.

پژوهش‌های انجام شده

۱. شریعت در آیه معرفت (عبدالله جوادی آملی)

در این کتاب به بررسی معنای لغوی و اصطلاحی دین، استعمالات مختلف لفظ دین در قرآن و ضرورت وجود دین و تفاوت دینداری و دین فهمی پرداخته شده، که اینجا مجال بحث آن نیست.

۲. درآمدی بر روان‌شناسی دین (مسعود آذربایجانی و سید مهدی موسوی اصل)

مؤلفان کتاب در بحث از ابعاد دینداری، برای فهم دینداری، رعایت اصولی چون: رویکرد منسجم داشتن در بررسی دینداری، توجه به سنت‌ها و گروه‌های دینی، تقدم مطالعات درون دینی و... را مطرح کرده‌اند.

۳. امام علی (ع) و دینداری (علیرضا اسعدی)

مؤلف کتاب برای تعریف دینداری، ابتدا مؤلفه‌های دینداری را در سه دسته: مؤلفه معرفتی یا مؤلفه هستی‌شناختی، مؤلفه عملی یا مؤلفه وظیفه‌شناختی و مؤلفه عاطفی بررسی کرده است. سپس به بیان عوامل تضعیف دینداری در دو بُعد عوامل فردی تضعیف دینداری و عوامل جمعی تضعیف دینداری پرداخته است.

۴. «بررسی مراتب دینداری در متون حدیث» (علی‌نقی فقیهی، محمد خدایاری فرد،

باقر غباری بناب، محسن شکوهی یکتا)

در این مقاله برای کشف و طبقه‌بندی مراتب دینداری، پنج دسته از متون حدیثی شامل واژگان کلیدی، عبارت‌های حصری، کلمات محوری، تشبیه‌ها و تمثیل‌ها و

متن‌هایی که در آن ویژگی‌های خواص مؤمنان مطرح شده، بررسی شده است. در بررسی این پنج دسته از متون، مراتب دینداری در سه بُعد شناختی، عاطفی و عملکردی مشخص شده است.

۵. «بررسی الگوی دینداری از منظر قرآن و سنت» (علی‌نقی فقیهی، محمد خدایاری فرد، باقرغباری بناب، محسن شکوهی یکتا)

در این جستار مؤلفه‌های دینداری با رویکرد درون دینی به آیات و احادیث معصومین(ع) و تبیین عناصر اصلی دینداری با دید روان شناختی بررسی شده است. و ضمن مطالعه مفهوم اصلی دین به معنای دیانت و دینداری، مؤلفه‌های به دست آمده از قرآن و متون حدیثی در سه بُعد شناخت‌ها و باورها، عواطف و عملکردها طبقه بندی شده‌اند.

۶. «مدلی برای سنجش دینداری در ایران» (علیرضا شجاعی زند)

در این مقاله شاخص‌های دینداری در سه جنبه معرفتی، عاطفی و رفتاری طبقه‌بندی شده است. همچنین در ارائه مدل برای سنجش دینداری به ملاک‌هایی مانند داشتن اعتقاد و ایمان، اخلاق، داشتن معلومات دینی و... تأکید شده است.

۷. «بررسی اعتقادات دینی و جهت‌گیری سکولاریستی و بنیادگرایی در بین جوانان دانشگاهی» (سید هادی مرجایی)

این مقاله، ضمن سنجش اعتقادات دینی دانشجویان دانشگاه‌های تهران با تکیه بر بعد فردی دینداری، جهت‌گیری دانشجویان را در قالب گونه آرمانی دوگرایانه شامل جهت‌گیری بنیادگرایانه و جهت‌گیری سکولاریستی(عرفی گرایانه) بررسی کرده است.

۸. «بررسی تعریف عملیاتی دینداری در پژوهش‌های اجتماعی» (سید حسین سراجزاده و مهناز توکلی)

در این مقاله با مروری اجمالی بر سابقه مباحث مربوط به تعریف عملیاتی دینداری و معرفی الگوی گلارک و استارک، مسئله چند بعدی بودن مفهوم دینداری بررسی شده است.

مفهوم دینداری

دین؛ در لغت به معنای جزا، پاداش، اطاعت، تسلیم، پرستش، شریعت و ... آمده است. و در اصطلاح عبارت است از: «عقاید و سلسله دستورهای عملی و اخلاقی که پیامبران از سوی خداوند برای راهنمایی و هدایت بشر آورده اند» (طباطبایی ۱۳۶۱: ۶). در قرآن کریم نیز بیش از نود بار به معانی زیر به کار رفته است: جزا و پاداش (فاتحه: ۴)، اطاعت و بندگی (زمر: ۱۱)، ملک و سلطنت (بقره: ۹۳)، شریعت و قانون (کافرون: ۶)، ملت (انعام: ۱۶۱)، تسلیم (آل عمران: ۱۹)، اعتقادات (بقره: ۲۵۶).

متکلمین غربی دین را مجموعه‌ای از اعتقادات و نمادها و ارزش‌هایی می‌دانند که مستقیماً از آنها به دست می‌آیند، که با این تفاوت و تمایز بین حقیقت تجربی و مافوق متعالی مرتبط هستند. امور تجربی از لحاظ دلالت و معنا نسبت به امور غیرتجربی از اهمیت کمتری برخوردارند. (ژان پل ویلهم ۱۳۷۵: ۱۷۲ و ۱۷۱).

اندیشمندان اسلامی دین را مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی تعریف کرده‌اند که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها باشد. گاهی همه این مجموعه حق و گاهی همه آن باطل و زمانی مخلوطی از حق و باطل است. (جوادی آملی ۱۳۷۲: ۹۳). صاحب مجمع‌البحرین ضمن تعریف دین به این مفهوم، دو آیه ۱۹ و ۸۵ آل عمران را از موارد کاربرد واژه دین به این مفهوم دانسته و می‌نویسد: «دین، همان قواعد و مقررات خداوندی برای صاحبان خرد (بشر) است که شامل اصول و فروع است. [طریحی ۱۳۶۲: ج ۶، ۲۵۱]. خدای متعال در آل عمران آیه ۹ می‌فرماید: ﴿ان الدین عند الله الاسلام...﴾ همانا دین پسندیده در نزد خدا، اسلام است. و نیز می‌فرماید: ﴿ومن یتبع غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من الخاسرین﴾ هر کس غیر از اسلام دینی اختیار کند، هرگز از وی پذیرفته نیست و او در آخرت از زیانکاران است (آل عمران: ۸۵).

جامعه‌شناسان دین را نظام وحدت یافته‌ای می‌دانند که در برگیرنده اعتقادات و اعمال مربوط به اشیاء مقدس یعنی اشیایی که مجزا شده و تحریم گردیده‌اند. اعتقادات

و اعمالی که همهٔ گروندگان را در جمعیت اخلاقی واحدی که معبد، نامیده می‌شوند وحدت می‌بخشند [هیوم ۱۳۷۳: ۳].

از آنچه گذشت به دست می‌آید: دین مجموعه‌ای از حقایق هماهنگ و متناسب است که به صورت گزاره‌های حقیقی هست‌ها و نیست‌ها، بایدها و نبایدها، که از سوی ذات اقدس خداوند در متون دینی ظاهر شده است و حکایت از ابعاد مختلف انسانی اعم از فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، دینی و اخروی می‌کند.

دینداری؛ دینداری یا التزام دینی یکی از مفاهیمی است که پژوهشگران علوم اجتماعی که حوزه علاقه‌شان مطالعه تجربی دین است به آن توجه بسیار کرده‌اند. در طول دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ هیچ موضوعی در مطالعات تجربی دین به اندازهٔ تعیین مشخصات مفهومی دین توجه نشده است. «حوزه‌هایی که می‌توان آنها را به مثابه دینداری در نظر گرفت عبارت‌اند از: اعتقادی، مناسکی، تجربی، فکری و پیامدی (گلارک و استارک ۱۳۸۲: ۱۶۴). در ابعاد مطرح شده دینداری بُعد اعتقادی و مناسکی از اهمیت بیشتر و جایگاه ویژه‌ای در متدین بودن اشخاص دارند.

امام علی (ع) دربارهٔ پایه و زیر بنای دین می‌فرماید: «أول الدین معرفته، و کمال معرفته التصدیق به، و کمال التصدیق به توحیده، و کمال توحیده الإخلاص له، و کمال الإخلاص له نفی الصفات عنه، لشهادة كل صفة أنها غير الموصوف، و شهادة كل موصوف أنه غير الصفة، فمن وصف الله سبحانه فقد قرنه، و من قرنه فقد تناه، و من تناه فقد جزأه، و من جزأه فقد جهله، [و من جهله فقد أشار إليه]، و من أشار إليه فقد حذّه، و من حذّه فقد عدّه، و من قال «فيم» فقد ضمّنه، و من قال «علام» فقد أخلى منه. كائن لا عن حدث، موجود لا عن عدم. مع كل شيء لا بمقارنة، و غير كل شيء لا بمزايلة. فاعل لا بمعنى الحركات و الآلة، بصير إذ لا منظور إليه من خلقه، متوحد إذ لا سكن يستأنس به و لا يستوحش لفقده (خطبة ۱، ۲۸). یکتاپرستی (پایه‌های شناخت) نخستین شالوده و پایهٔ دین معرفت اوست، و کمال معرفتش تصدیق به او است (یا کامل شدن معرفت نتیجه تصدیق به او است) و کمال تصدیق به او، شهادت

بر یگانگی و توحید او است، و کمال توحیدش اخلاص (در نیت و عمل) است برای او و کمال اخلاص نفی کردن صفات است از او، چه هر صفت خود گواه است که غیر از موصوف است و موصوف خود گواه است که غیر از صفت است. بنا بر این، هر کس خداوند را به صفتی متصف کند او را با چیزی مقارن کرده است، و چون چیزی را قرین او گرداند، او را دو حقیقت دانسته، و چون او را دو حقیقت دانست قابل تجزیه‌اش گردانیده، چون قابل تجزیه‌اش به شمار آورد، به حقیقتش جاهل شده، [چون به حقیقتش جاهل شد، به او اشاره کرده] و چون اشاره کرد البته او را محدود کرده است، و چون محدودش کرد به یقین او را شماره کرده است. و کسی که گوید «در چیست» او را در ضمن چیزی قرار داده، و کسی که گوید «بر چیست» محلی را از او تهی فرض کرده است. بودی است که از حادثی پدید نیامده، موجودی است که از عدم به وجود روی نیآورده».

پس دینداری عبارت است از: اعتقاد قلبی، اظهار به زبان و انجام مناسک و شعائر دینی.

طبق مفهوم شایع واژه دین، معنای دینداری در واقع طاعت، انقیاد و پایبندی فرد به همان قواعد اعتقادی، اخلاقی، فقهی و حقوقی است که خدا در اختیار بشر قرار داده است. (اصفهانی ۱۳۹۲: ۳۱۰). این مفهوم، کاربرد بیشتر در قرآن دارد و حتی گفته می‌شود که مفهوم اصلی واژه دین در قرآن «همان خضوع و انقیاد در برابر برنامه‌ها و مقررات الهی است». (مصطفوی ۱۳۶۰: ۲۸۵) این مفهوم (مفهوم دینداری) شامل شناخت و پذیرش قلبی نسبت به توحید، عدل، نبوت، امامت، آخرت و انقیاد نسبت به احکام الهی است. مفهوم واژه دین در آیات دیگری مانند آیه ۵ بینه: ﴿وَمَا أَمْرًا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ﴾ به آنها دستوری داده نشده بود جز این که خدا را بپرستید در حالی که دین خود را برای او خالص کنند و از شرک به توحید باز گردند، نماز را بر پا دارند و زکات را بپردازند. و این است آیین مستقیم و پایدار». همین دینداری است؛ زیرا

ضمن توجه مردم به مأموریت اصلی آنان و انتظاری که از آنها می‌رود، از بندگی و دینداری مخلصانه و مؤلفه‌های اصلی آن مانند اقامه نماز و پرداخت زکات به عنوان دین قیم یاد می‌شود. در این تحقیق، صرفاً این مفهوم دینداری تبیین می‌گردد و از سه دسته از متون قرآنی و حدیثی استفاده می‌شود:

مؤلفه‌های دینداری

در متون حدیثی واژه مؤلفه‌های دینداری ذکر نشده است، اما مهم‌ترین واژگانی که در احادیث، نشان دهنده مؤلفه‌های اصلی دینداری هستند عبارت‌اند از: ملاک‌الدین، اصل‌الدین، قواعدالدین، اساس‌الدین، عمادالدین، رأس‌الدین، نظام‌الدین و جماع‌الدین.

ملاک‌الدین: این واژه در کلام امام علی (ع) یکجا درباره دو مؤلفه اصلی دینداری یعنی صدق و یقین، و در جای دیگر درباره مؤلفه دیگر دینداری، یعنی مخالفت با هوای نفس به کار رفته است. آن حضرت می‌فرماید: «شیئان هما ملاک‌الدین: الصدق و الیقین» (آمدی ۱۳۷۳: ج ۴، ۱۸۴). دو چیز مهم ملاک و معیار دینداری است: یکی صدق و راستی و دیگری شناخت و باور یقینی». «ملاک‌الدین مخالفة الهوی» (همو: ج ۶، ۱۱۷). ملاک دین مخالفت کردن هوی و هوس است. در جای دیگر ملاک دینداری، یک مؤلفه اصلی دیگر دینداری یعنی ورع و پرهیزکاری را معرفی می‌کند: «ان ملاک‌الدین الورع» (همو: ج ۱۷، ص ۳۲۶). ملاک دینداری ورع و پرهیزکاری است.

اصل‌الدین: این واژه را رسول اکرم (ص) یک جا درباره توحید به کار برده است. ایشان می‌فرماید: «ان لكل دين اصلاً و دعامة و فرعاً و بنياناً و ان اصل الدين و دعامة قول: لا اله الا الله، و ان فرعه و بنيانه محبتكم اهل البيت (ع)...» (مجلسی ۱۳۶۳: ج ۲۳، ۲۴۷). برای هر دینی، اصل و پایه و فرع و بنیانی است و اصل دین‌داری و پایه آن کلمه توحید «لا اله الا الله» است و فرع و بنیان آن، محبت مردم

به اهل بیت (ع) است. و در حدیث دیگری درباره قناعت به کار برده است و می‌فرماید «اصل الدین القناعة» (ورام [بی‌تا]: ج ۱، ۱۸۶). امام علی (ع) این واژه را در چند کلام خود آورده می‌فرماید:

الف) «اصل الدین أداء الامانه و الوفاء بالعهد» (آمدی ۱۳۷۳: ج ۲، ۴۲). امانت‌داری و وفای به پیمان‌ها از پایه‌های اصلی دین‌داری است.

ب) «اصل الامور فی الدین أن يعتمد علی الصلوات و یجتنب الكبائر» (مجلسی ۱۳۶۳: ج ۷۸، ۷). اقامه نماز و پرهیز از گناهان کبیره، پایه‌ی اصلی امور مربوط به دینداری است.

ج) «الدین شجرة أصلها التسليم و الرضا» [آمدی ۱۳۷۳: ج ۱، ص ۳۲۹]. دین‌داری همانند درختی است که اصل و ریشه‌ی آن، تسلیم امر خدا بودن و خشنودی از خدا و نعمت‌هایی است که به فرد داده شده و یا رضایت از آنچه درباره او روا داشته شده است.

د) «ان الدین الشجرة اصلها الیقین بالله» [همو: ۵۴۱]. ضمن تشبیه دین‌داری به درخت، با آوردن «لام تأکید» می‌فرماید: ریشه و اصل دین‌داری، یقین به پروردگار است.

ه) «الزهد اصل الدین» [همو: ۱۳۱] ترک دنیا یعنی محرمات آن اصل دین است. قواعد الدین: امام علی (ع) در عبارتی شش چیز را از پایه‌های دین‌داری دانسته و می‌فرماید: «ست من قواعد الدین: اخلاص الیقین، و نصح المسلمین و اقامة الصلاة و ایتاء الزکاة و حج البيت و الزهد فی الدنيا» [همو: ج ۴، ۱۵۰]. شش چیز از پایه‌های دین‌داری است که عبارت‌اند از: شناخت یقینی ناب و خالی از ابهام نسبت به خدا و متعلقات دیگر ایمان، خیرخواهی مسلمانان، بر پا داشتن نماز، پرداخت زکات، انجام حج و عدم دل‌بستگی به دنیا.

اساس الدین: این تعبیر، به معنای پایه و بنیاد دینداری است. رسول اکرم (ص) به ابوذر غفاری فرمود: «ولکل شی اساس و اساس الاسلام حینا اهل البيت (ع)»

(مجلسی ۱۳۶۳: ۲۷، ۸۲). برای هر چیزی اساس و بنیادی است و بنیاد و اساس اسلام محبت ما اهل بیت است. امام علی (ع) در مورد محبت آل پیغمبر (ص) فرمود: «هم اساس الدین» [همو: ج ۲۳، ۱۱۷]. آنان اساس دین اند. امام صادق (ع) در پاسخ پرسشگری فرمود: «إنّ اساس الدین التوحید و العمل» [همو: ج ۴، ۲۶۴] به درستی که اساس و بنیاد دین، اعتقاد به توحید و عدل است.

عمادالدین و عمودالدین: این دو عبارت در کلام رسول اکرم (ص)، امام علی (ع) و امام باقر (ع) درباره نماز آمده است. رسول اکرم (ص) با دو تعبیر عماد و عمود و امام باقر (ع) با تعبیر عمود، نماز را ستون و رکن اساسی دینداری معرفی می‌کنند. «الصلاة عمادالدین» و «ان عمود الدین الصلاة...» (سبزواری ۱۴۱۳: ۱۸۵ و متقی هندی ۱۳۸۹: ج ۷، ص ۱۸۸۸۹). همچنین حضرت علی (ع) ضمن سفارش مؤکد به نماز می‌فرماید: «الله الله في الصلاة فانها عمود دينكم» [دستی ۱۳۸۳: ۳۹۸، نامه ۴۷]. شما را به خدا قسم مراقب نماز باشید زیرا که پایه و ستون محوری دینداری شما است. علاوه بر نماز، امام علی (ع) با تعبیر عمود، جهاد را نیز ستون دینداری معرفی می‌کند و می‌فرماید: «الجهاد عمودالدین و منهاج السعداء» (آمدی ۱۳۳۷: ج ۱، ص ۴۹). پیکار در راه خدا ستون دین و راه نیکبختان است.

رأس الدین: این تعبیر در احادیث متعددی آمده است. رسول اکرم (ص) درباره نماز می‌فرماید: «ولیکن اکثر همک الصلاة فانها رأس الاسلام بعد القرار بالدین» (مجلسی ۱۳۶۳: ج ۷۷، ۱۲۷). بیشترین همت تو نماز باشد که آن بعد از اقرار به دین رأس و عنصر محوری اسلام است. در حدیث معراج آمده است که خداوند متعال فرمود: «یا احمد: علیک بالورع، فان الورع رأس الدین و وسط الدین و آخر الدین، إن الورع یقرب العبد الی الله تعالی... إن الورع رأس الايمان و عمادالدین» [همو: ج ۷۷، ۲۶]. ای احمد: بر تو باد به پرهیزکاری و ورع، زیرا که رأس ایمان و پایه دین است. در تفسیر آیاتی چند از قرآن درباره تفکر در آفرینش، امام علی (ع) می‌فرماید: «... هورأس الايمان» [همو: ج ۹۳، ۵۰] ... و آن رأس و سر ایمان است. و نیز آن

حضرت در کلام دیگری، معرفت یقینی را که به راستی مطابق با واقع و درست باشد، رأس و سر دین دانسته است: «فان الیقین رأس الدین» و «رأس الدین صحة الیقین» [همو: ج ۷۷، ۲۹۱؛ ج ۷۷، ۲۱۳]. همچنین امام علی(ع) می‌فرماید: «رأس الدین اكتساب الحسنات» [آمدی ۱۳۷۳: ج ۴، ص ۵۳]. رأس و عنصر محوری دینداری انجام اعمال نیک و شایسته است. و در کلام دیگری می‌فرماید: «لصدق رأس الدین» [همو: ج ۱، ۱۳۲]. رأس و عنصر دین‌داری راستی در گفتار و کردار است. امام صادق(ع) می‌فرماید: «الصبر رأس الايمان» [مجلسی ۱۳۶۳: ج ۷۰، ۱۸۳]. صبر رأس ایمان است. همچنین این تعبیر در کلام رسول اکرم(ص) در مورد اعتقاد به امامت امیرالمؤمنین(ع) مطرح شده است: «... هو نفس الیقین و رأس الدین» [همو، ج ۳۵، ۱۲]. و نیز امیرالمؤمنین(ع) در مورد ولایت و باور به آن می‌فرماید: «لانها الولاية رأس الاسلام و کمال الايمان... فهم (الائمة) رأس دایرة الايمان» [همان: ج ۲۵، ص ۱۷۰]. ولایت رأس اسلام و ایمان است و ائمه رأس و محور مرکزی دایره ایمانند.

نظام‌الدین: در سه حدیث از امام علی(ع) این تعبیر به کار رفته است. در یک حدیث می‌فرماید: «نظام الدین خصلتان، انصافک من نفسک و مواساة اخوانک» [آمدی ۱۳۷۳: ج ۶، ۱۷۹]. نظام آراستن دینداری با دو ویژگی است: یکی این که به راستی و صداقت درباره خود داوری کنی و در احقاق حق خویش، حقوق دیگران را نادیده نگیری و دوم این که به برادران دینی خود کمک و یاری رسانی. و در حدیث دیگر می‌فرماید: «نظام الدین مخالفة الهوى و التنزه عن الدنيا» [همو: ۱۷۷]. آراستگی و نظام دینداری مخالفت به هواهای نفسانی، پاکسازی نفس از وابستگی میل شدید به دنیاست و در حدیث سوم می‌فرماید: «نظام الدین حسن الیقین» [همو: ج ۷، ۶۰]. آراستگی و نظام دینداری نیکویی یقین است.

جماع‌الدین: این واژه در سه حدیث از حضرت علی(ع) آمده است. در حدیث اول اوصاف جامع دینداری چهار چیز دانسته شده است: «جماع‌الدین فی اخلاص العمل و

تقصیر الامل و بذل الاحسان و الکف عن القبیح» [همان: ج ۳، ص ۳۶۸]. ۱. اخلاص در انجام عمل نیک؛ ۲. آرزوهای دور و دراز دنیوی نداشتن؛ ۳. بذل و بخشش و احسان به دیگران؛ ۴. کف نفس و بازداری از زشتی‌ها. در حدیث دوم می‌فرماید: «علیک بالتقوی و الصدق، فهما جماع الدین» [همو: ج ۲، ۲۶۲]. بر تو باد به رعایت تقوای الهی و صدق و راستی که این دو جامع دینداری است. در حدیث سوم می‌فرماید: «ثلاث هن جماع الدین: العفة و الورع و الحیاء» [همو: ج ۳، ص ۳۴۲]. سه صفت است که جامع دینداری است: عفت و پاکدامنی، ورع و پرهیز از محرّمات و حیا.

بنابراین، طبق عبارات احادیث فوق، مؤلفه‌های دینداری در سه بُعد شناختی، عاطفی و عملکردی مطرح شده‌اند. در بُعد شناختی؛ معرفت یقینی نسبت به خدا، اعتقاد به توحید، عدل و متعلقات دیگر ایمان مطرح شده است. در بُعد عاطفی بر مؤلفه‌های اساسی در ارتباط با خدا، رسول خدا (ص)، اهل بیت (ع)، مسلمانان و مؤمنان، خود، دیگران و دنیا، تأکید شده است. در بعد عملکردی؛ اقامه نماز، پرداخت زکات، جهاد، انجام دادن اعمال نیک، بخشش و احسان، وفای به عهد، امانت‌داری، راستی در گفتار و کردار، پاکدامنی، تقوا، پرهیز از گناهان، و دوری از حرام مطرح شده است.

با مطالعه در متون حدیثی به دست می‌آید که تقریباً تعبیرهایی که در این متون برای واژه دین و کاربردهای آن آمده، در مورد ایمان نیز مطرح شده است. این مطلب بیانگر آن است که در احادیث، واژه دیندار و مؤمن و همچنین دینداری و ایمان در موارد مشابهی به کار رفته است از جمله:

دعائم الایمان: امام علی (ع) فرموده است: «الایمان علی اربع دعائم: علی الصبر و الیقین و الجهاد و العدل» [جعفری ۱۳۸۰: ص ۹۸۷، ح ۳۱]. ایمان بر چهار تکیه‌گاه استوار است: صبر، یقین، جهاد و عدل. و نیز فرموده است: «حسن العفاف و الرضا بالکفاف من دعائم الایمان» (آمدی ۱۳۷۳: ج ۳، ۳۸۹). عفت و پاکدامنی و احساس رضایت از روزی به اندازه، از تکیه‌گاه‌های ایمان است. و در حدیث دیگر فرموده

است: «الصدق اقوی دعائم الایمان» [همو: ج ۷، ۳۰۰]. راستگویی قوی‌ترین تکیه‌گاه‌های ایمان است.

ارکان الایمان: حضرت علی (ع) فرمود: «الایمان علی اربعه اركان: التوکل علی الله و التفویض الی الله و التسلیم لامر الله و الرضا بقضاء الله» (مجلسی ۱۳۶۳: ج ۷۸، ۶۳). ایمان دارای چهار رکن اساسی است: توکل و اعتماد به خدا، تسلیم امر خدا بودن و رضا و خشنودی از قضای پروردگار.

اصل الایمان: حضرت علی (ع) فرمود: «اصل الایمان حسن التسلیم لامر الله» (آمدی ۱۳۷۳: ج ۲، ۴۱۶). پایه اصلی و ریشه ایمان تسلیم امر خدا بودن است و نیز می‌فرماید: «اصل الایمان العلم» [حکیمی، آرام ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۱۹۲]. پایه اصلی و ریشه ایمان، علم است و در حدیث دیگر می‌فرماید: «الایمان شجرة اصلها الیقین و فرعها التقی و نورها الحیاء و ثمرها السخاء» (آمدی ۱۳۷۳: ج ۲، ۴۷). ایمان درختی است که ریشه و اصل آن یقین، فرع و شاخه آن تقوا، درخشندگی آن حیا و نتیجه آن سخاوت‌مندی است.

در آیات بسیاری از قرآن کریم، نیز مؤلفه‌های دینداری بیان شده است و نشانه‌ها و ویژگی‌های شناختی، عاطفی و عملکردی افراد دیندار مطرح شده است. در اکثر این آیات به همه مؤلفه‌های دینداری توجه شده است. این مؤلفه‌ها در آیات فراوانی تکرار و بدان‌ها تأکید قرار شده است. در زیر به تعدادی از این آیات اشاره می‌شود.

در آیه ۱۵ حجرات با اشاره به سه محور شناختی، عاطفی و عملکردی از میان اوصاف اساسی مؤمنان آمده است: ﴿انما المؤمنون الذین امنوا بالله و رسوله ثم لم یرتابوا و جاهدوا باموالهم و انفسهم فی سبیل الله اولئک هم الصادقون﴾ در حقیقت مؤمنان واقعی آن کسانند که به خدا و رسول ایمان آورند و بعداً هیچ‌گاه شک و ریبی به دل راه ندادند و در راه خدا با مال و جان‌شان جهاد کردند. اینان به حقیقت راستگو هستند». علامه طباطبایی در تفسیر آیه به ذکر مؤلفه‌های دینداری پرداخته و می‌نویسند: «جمله انما المؤمنون الذین آمنوا بالله و رسوله» می‌خواهد مؤمنین را

منحصر در کسانی کند که به خدا و رسول او ایمان داشته باشند. پس تعریف مؤمنین به این که به خدا و رسول ایمان دارند و به سایر صفاتی که در آیه آمده، تعریفی است که هم جامع صفات مؤمن است و هم مانع، یعنی هیچ غیر مؤمنی شامل آن نمی‌شود، در نتیجه هر کس متصف به این صفات باشد مؤمن حقیقی است. همچنان که هر کس یکی از این صفات را نداشته باشد، مؤمن حقیقی نیست. «ثم لم یرتابوا» یعنی مؤمنین آن‌هایی هستند که ایمان به خدا و رسول او بیاورند و دیگر در حقانیت آنچه آورده‌اند شک نکنند، و ایمانشان ثابت و آنچنان مستقر باشد که شک آن را متزلزل نکند.

و جاهدوا باموالهم و انفسهم فی سبیل الله - منظور از مجاهده به اموال و انفس، عمل و به کار گرفتن تا آخرین درجه قدرت است در انجام تکالیف مالی الهی، از قبیل زکات و سایر انفاقات واجب، و انجام تکالیف بدنی چون نماز و روزه و حج و غیره. اولئک هم الصادقون - این جمله بر ایمان مؤمنین نامبرده مادام که آن صفات را حفظ کرده باشند صحه گذاشته و تصدیق می‌کند (طباطبائی ۱۳۶۳: ج ۱۸، ۴۹۳).

همچنین در آیه یکم تا دهم از مؤمنون به بیان شش مؤلفه مهم در بعد عاطفی و عملکردی به شرح زیر پرداخته شده است: ﴿قد افلح المؤمنون* الذین هم فی صلاتهم خاشعون* والذین هم عن اللغو معرضون* والذین هم للزکوة فاعلون* والذین هم لفروجهم حافظون.... والذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون* والذین هم علی صلواتهم یحافظون* اولئک هم الوارثون﴾ (المؤمنون: ۱-۱۰) «راستی که مؤمنان رستگار شدند، همانان که در نمازشان فروتنند و آنان که از بیهوده رویگردانند و آنان که زکات می‌پردازند و کسانی که پاکدامن‌اند، و آنان که امانت‌ها و پیمان خود را رعایت می‌کنند و آنان که بر نمازشان مواظبت می‌نمایند. آنانند که خود وارثانند». در آیه ۱۷۷ بقره باور به متعلقات ایمان و تعدادی از امور شناختی و عاطفی - عملی به عنوان مشخصات صدق دینداری و ایمان اشاره شده است: ﴿و لکن الابرار من آمن بالله و الیوم الآخر و الملائکة و الکتاب و النبین و آتی المال علی

حبه ذوی القربی و الیتامی و المساکین و ابن سبیل و السائلین و فی الرقاب و اقام الصلوة و آتی الزکاة و الموفون بعهدهم و اذا عاهدوا والصابرین فی البأسأ و الضراء و حین الباس اولئک الذین صدقوا و اولئک هم المتقون ﴿ (بقره: ۱۷۷) نیکوکاری آن است که به خدای عالم و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیغمبران ایمان آورد و مال خود را، با وجود دوست داشتنش به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان و گدایان و در راه آزاد کردن بندگان بدهد، و نماز را بر پای دارد، و زکات را بدهد، و آنان که چون عهد بندند، به عهد خود وفادارند و در سختی و زیان، و به هنگام جنگ شکیبایانند آنانند کسانی که راست گفته‌اند، و آنان همان پرهیزکارانند».

علامه طباطبایی در تفسیر آیه هر کدام از ابعاد مؤلفه‌های دینداری را جداگانه ذکر می‌کند و می‌فرماید: جمله «و لکن البر من امن بالله و الیوم الآخر» تعریف ابرار و بیان حقیقت حال ایشان است که هم در مرتبه اعتقاد تعریف‌شان می‌کند و هم در مرتبه اعمال و هم اخلاق. درباره اعتقادشان می‌فرماید: من امن بالله و درباره اعمالشان می‌فرماید: اولئک الذین صدقوا و درباره اخلاق‌شان می‌فرماید: اولئک هم المتقون. در تعریف اولی که از ایشان کرده، فرموده: کسانی هستند که ایمان به خدا و روز جزا و ملائکه و کتاب انبیاء دارند، و این تعریف شامل تمامی معارف حقه‌ای است که خدای سبحان ایمان به آن را از بندگان خود خواسته و مراد به ایمان، ایمان کامل است که اثرش هرگز از آن جدا نمی‌شود و تخلف نمی‌کند. دلیل بر اینکه مراد از آیه بیان این معناست، ذیل آیه شریفه است که می‌فرماید: اولئک الذین صدقوا که صدق را مطلق آورده و مقید به زبان یا به اعمال قلب، یا به سایر جوارح نکرده، پس منظور آن مؤمنینی است که مؤمن حقیقی هستند و در دعوی ایمان صادقند (همو: ج ۱، ۶۵۰)

علاوه بر این آیات، در سوره نور آیه ۴۸، پذیرش داوری پیامبر و رهبران الهی، نشانه راستین به خدا و رسول و فرمانبری از ایشان و التزام عملی به دین است. در سوره قلم آیه ۴۳، نماز از ارکان عملی دین و نشانه اصلی دینداری است. در سوره

قیامه آیه ۳۱، نیزکه نماز مظهر دینداری و تصدیق عمل دین یاد شده، با توجه به این نکته است که خداوند، پس از بیان تصدیق نشدن اصل دین از سوی کافران به ترک فریضه نماز از سوی آنان بسنده کرده است.

بنابراین از مجموع آیات و احادیث به دست می‌آید که مؤلفه‌های دینداری سه بعد دارند که می‌توان آنها را به صورت ذیل دسته‌بندی کرد:

یک) بعد شناختی و اعتقادی: در آیات و احادیث ذکر شده، در بُعد شناختی، شناخت و باور به خدا و رسول، آخرت، ملائکه، کتب آسمانی و پیامبران، شناخت دوستان خدا، شناخت دشمنان خدا، به دنبال علم بودن و... مطرح گردیده است.

دو) بُعد عاطفی: در بعد عاطفی به محبت رسول خدا و اهل بیت، خشم و خشنودی به خاطر خدا، اخلاق نیکو و صبر در شدائد و سختی‌ها و... پرداخته شده است. سه) بُعد عملکردی: در بعد عملکردی، در آیات و احادیث فوق بر انجام عبادت نماز، روزه گرفتن، رعایت تقوا، امانت داری، راستگویی و... تأکید شده است.

مراتب دینداری

از آنجا که دینداری از واژه‌های نوظهور است، در متون حدیثی همچون مؤلفه‌های دینداری، واژه مراتب دینداری به طور مستقیم ذکر نشده، بلکه تعابیر ویژه‌ای در متون حدیثی برای نشان دادن مراتب دینداری بیان شده است. این واژگان عبارت‌اند از: افضل‌الدین، افضل‌الایمان، درجات‌الایمان، سنم‌الدین، کمال‌الدین، نصف‌الدین، اوثق‌عری‌الایمان و علامه‌الدین و علامه‌الایمان.

افضل‌الدین: رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «افضل دینکم السورع» (صدوق ۱۴۰۳: ص ۴ و ۹). برترین دینداری شما پارسایی است. امام علی (ع) نیز در پنج کلام با این تعبیر، شش مؤلفه را از برترین مؤلفه‌های دینداری می‌شمارد: «ان افضل‌الدین‌الحب فی‌الله» (آمدی ۱۳۷۳: ج ۲، ۵۴۱). همانا برترین دینداری دوستی و دشمنی در راه خداست. و «افضل‌الدین‌قصر‌الامل» [همو: ۴۶۶]. برترین دینداری کوتاه کردن

آرزوهای دنیوی است و «قووايمانكم باليقين، فانه افضل الايمان» [همو: ج ۴، ۵۱۲]. ایمان خود را با یقین تقویت کنید، زیرا که برترین دینداری است و «افضل الدين يقين» [همو: ج ۲، ص ۳۷۵]. یقین برترین دینداری است. و «حسن الخلق افضل الدين» [همان: ج ۷، ص ۹۵]. نیکویی خوی برترین دینداری است.

افضل الايمان: پیامبر خدا (ص) فرمود: «افضل الايمان أن تحب الله و تبغض الله، تعمل لسانك في ذكر الله عزوجل، و أن تحب للناس ما تحب لنفسك، و تكره لنفسك، و تكره لهم ما تكره لنفسك، و أن تقول خيراً أو تصمت» (متقی‌هندی ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۶۷). بالاترین ایمان این است که دوستی و دشمنی‌ات برای خدا باشد و زبانت را در ذکر خدا به کارگیری و آنچه برای خود دوست داری برای مردم نیز دوست داشته باشی و آنچه برای خود نمی‌پسندی بر مردم نیز نپسندی و به نیکویی سخن بگویی یا خاموش بمانی. «افضل الايمان أن تعلم أن الله معك حيث ما كنت» [همو: ج ۱، ۶۶] «برترین ایمان آن است که بدانی خداوند همه جا با توست. «افضل الايمان الصبر و السماحة» (همو: ۷۴). برترین ایمان شکیبایی و بخشندگی است. «افضل المؤمنین احسنهم خلقاً» (همو: ج ۳، ۶۶۵). بهترین مؤمنان خوش‌خوترین آنهاست. امام علی (ع) نیز فرمود: «افضل الايمان حسن الايقان» (آمدی ۱۳۷۳: ج ۲، ۳۹۷). بالاترین ایمان یقین نیکو (به خدا) است. «افضل المؤمنین ایماناً من كان الله أخذهُ و عطاهُ و سخطهُ و رضاه» [همو: ج ۲، ۴۵۶]. از مؤمنان آن کس که ایمانش برتر است که داد و ستد و خشم و خشنودیش برای خدا باشد. «افضل المؤمنین افضلهم تقدمه من نفسه و اهله و ماله» (ابن ابی‌الحدید ۱۳۸۵: ج ۱۸، ۴۱). بهترین مؤمنان آن کس است که از جان و خانواده و دارایی خود در راه خدا بیشتر مایه بگذارد. «افضل الايمان الاخلاص و الاحسان» (آمدی ۱۳۶۶: ۸۸). برترین ایمان اخلاص است، یعنی به حق تعالی و نیکویی کردن. «افضل الايمان الاحسان» (همان: ۳۸۲). برترین ایمان مؤمن احسان کردن است. همچنین پیامبر خدا (ص) فرمود: «أفضل المؤمنین کل مؤمن مخموم القلب، صدوق اللسان» (متقی‌هندی ۱۳۸۹: ج ۱، ۷۸۳). بهترین مؤمن آن است که دلی پاک و زبانی راستگو دارد.

درجات الایمان: رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «ان اعلى منازل الايمان درجه واحده من بلغ إليها فقد فاز و ظفر، و هو أن ينتهي بسريره في الصلاح الى أن لا يبالي لها اذا ظهرت ولا يخاف عقابها إذا إستترت» (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۷، ۳۶۹). بالاترین مرتبه ایمان یک درجه است، هر که به آن درجه رسد رستگار و پیروز شود و آن این است که باطن آدمی به آن حد از پاکی برسد که اگر آشکار شود پروایی نداشته باشد و اگر پوشیده ماند از کيفر (خدا بر آن) نترسد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «ان الله عزوجل وضع الايمان على سبعة أسهم: على البر و الصدق واليقين و الرضا و الوفاء و العلم و الحلم، ثم قسم ذلك بين الناس، فمن جعل فيه هذه السبعة الاسهم فهو كامل، محتمل؛ و قسم لبعض الناس السهم و لبعض السهمين و لبعض الثلاثة حتى أُنْتَهوا الى السبعة، ثم قال: لا تحملوا على صاحب اسهم سهمين و لا على صاحب السهمين ثلاثه فتبهضوهم. ثم قال: حتى ينتهي الى السبعة» (کلینی ۱۳۳۵: ج ۲، ۲۲). «خداوند ایمان را به هفت بخش تقسیم کرده است: نیکوکاری، راستگویی، یقین، خشنودی، وفاداری، دانش و بردباری. خداوند این هفت قسمت را بین مردم قرار داده است کسی که این هفت قسمت را با هم دارد از نظر ایمان کامل است و محتمل همه چیز است ولی برخی یک قسمت را دارند و برخی دو قسمت و بعضی سه قسمت را، تا این که بعضی هفت قسمت کامل را دارند. بنابراین بر کسی که یک قسمت را داراست انتظار دو قسمت را از دو نداشته باشید و چیزی را بر او تحمیل نکنید و همین‌طور کسان دیگری که قسمت‌های بیشتری را دارند، آنچه ندارند بر آنها تحمیل نکنید و از آنها انتظار نداشته باشید تا آنکه هفت قسمت را کامل، دارا باشند.»

سنام‌الدین: این واژه حکایت از مؤلفه‌هایی دارد که در دین‌داری از مرتبه بالایی برخوردارند. امام علی (ع) فرمود: «سنام الدين الصبر و اليقين و مجاهدة الهوى» (آمدی ۱۳۷۳: ج ۷، ۱۲۱). مقام رفیع و اوج دینداری، صبر و یقین و مبارزه با خواهش‌های نفس است.

اوثق عری‌الایمان: این عبارت به معنای محکم‌ترین حلقه‌های ایمان و دینداری

است و در مواردی به کار می‌رود که مؤلفه‌ای از اهمیت و ارزش ویژه‌ای برخوردار باشد. پیامبر خدا (ص) فرموده است: «اوثق عری‌الایمان: المولاه فی الله و المعاداه فی الله» (متقی هندی ۱۳۸۹: ج ۹، ۲۴۶۵۷). محکم‌ترین حلقه‌های ایمان دوست‌گیری به خاطر دوست داشتن و کینه داشتن به خداست. از آن حضرت درباره استوارترین دستاویزهای ایمان سؤال شد، فرمود: «سئل ای عری‌الایمان اوثق فقال: الحسب لله و البغض لله» (همان: ج ۱، ص ۱۳۱۹). دوست داشتن و دشمنی کردن برای خدا. امام صادق (ع) فرمود: «أن من اوثق عری‌الایمان أن تحب فی الله، و تبغض فی الله، و تعطی فی الله، و تمنع فی الله تعالی» (مفید ۱۴۰۴: ۱۵۱). «از استوارترین دستاویزهای ایمان این است که برای خدا دوست بداری و برای خدا دشمنی و به خاطر خدا بخشش کنی و به خاطر خدا از بخشش خودداری ورزی.»

منظور از دوست داشتن برای خدا، دوستی نسبت به هر فرد و هر چیز و هر عملی که مورد رضایت خداست و منظور از دشمن داشتن برای خدا، دشمنی نسبت به هر فرد، هر چیز و هر عملی که خدا آن را برای انسان زشت و قبیح دیده و آن را حرام دانسته است.

نصف‌الدین: در احادیث این تعبیر در سه مؤلفه توحید و خوش‌اخلاقی و اظهار دوستی و دوست‌یابی مطرح است. که یکی شناختی و دومی عملکردی و از موارد اخلاق اجتماعی و سومی عاطفی است. پیامبر خدا (ص) در حدیث اول فرمود: «التوحید نصف‌الدین» [صدوق ۱۳۹۸: ۶۸]. توحید نصف دین است. و نیز فرموده است: «حسن الخلق نصف‌الدین» (صدوق ۱۴۰۳: ۱۰۶). خوش‌خویی نصف دین است. و در حدیث سوم فرمود: «التوؤدّ نصف‌الدین» (مجلسی ۱۴۰۴: ج ۷۱، ص ۳۹۲). اظهار دوستی و دوست‌یابی نصف دین است.

کمال‌الدین، کمال‌الایمان و کمال‌الاسلام: امام علی (ع) فرمود: «اعملوا ان کمال الدین طلب العلم و العمل به» (حرانی ۱۴۰۰: ۱۹۹). بدانید که کمال دین در کسب علم و عمل کردن به آن است. «ثلاث هن کمال‌الدین: الاخلاص و الیقین و التتقمع» (آمدی

۱۳۷۳: ج ۳، ص ۳۴۵). سه چیز کمال دین است: اخلاص، یقین و قناعت پیشگی. «من کمال الدین مکافاة المسیء بالاحسان» (آمدی ۱۳۶۶: ص ۸۸). از کمال ایمان جزا دادن گناهکار باحسان است. پیامبر خدا (ص) فرمود: «ثلاث خصال من کن فیہ استکمل خصال الایمان، الذی اذا رض من لم یدخله رضاه فی الاثم و لا باطل، و إذا غضب لم یخرجه الغضب من الحق، و اذا قدر لم یتعاط ما لیس له» (صدوق ۱۴۰۳: ۱۰۵). سه خصلت است که هر کس داشته باشد خصلت‌های ایمان را به کمال رسانده است: کسی که چون راضی شود رضایت و خشنودیش او را به گناه و باطل نکشد و چون خشمگین شود، خشم او را از مدار حق بیرون نبرد و هرگاه قدرت یافت چیزی را که مال او نیست به زور نگیرد. امام سجاد (ع) فرمودند: «اربع من کن فیہ کمل اسلامه و محصت عنه ذنوبه و لقی ربه عزوجل و هو عنه راض: من و فی الله عزوجل بما یجعل علی نفسه للناس، و صدق لسانه مع الناس، و استحیا من کل قبیح عندالله و عندالناس و حسن خلقه مع اهله» (مجلسی ۱۴۰۴: ج ۶۴، ۳۸۵). چهار چیز است که هر کس آنها را داشته باشد سعادتش کامل گردد و گناهانش ریخته شود و پروردگار خویش را دیدار کند در حالی که از او خشنود است: آن که برای خدا عمل کند و با مردم راستگو باشد و از ارتکاب هر آنچه نزد خدا و مردم زشت است شرم کند و با خانواده خود خوش اخلاق باشد. پیامبر خدا (ص) در پاسخ مردی که پرسید: دوست دارم ایمانم کامل شود فرمود: «حسن خلقک یکمل ایمانک» (متقی هندی: ۱۳۸۹: ۱۶، ۴۱۵۴). اخلاقت را خوب کن ایمانت کامل می شود. امام علی (ع) فرمود: «ثلاث من کن فیہ کمل ایمانه: العقل و الحلم و العلم» (آمدی ۱۳۷۳: ج ۳، ۳۳۵). سه چیز است که هر کس داشته باشد ایمانش کامل است: خردمندی، بردباری و دانش. امام صادق (ع) فرمود: «اربعه من کن فیہ کمل ایمانه، و ان کان من قرنه الی ذنوب لم ینقصه ذلک، و هی الصدق و اداء الامانة و الحیاء و حسن الخلق» (مجلسی ۱۴۰۴: ج ۶۷، ص ۲۹۵). چهار ویژگی است که هر کس داشته باشد ایمانش کامل خواهد شد و اگر از سر تا پا در گناه هم بوده زبانی به او نمی‌رساند. آنها عبارت‌اند

از: صدق و راستی در همه امور، امانت داری، حیا و حسن اخلاق. و در حدیث دیگری به جای امانت داری شکر را مطرح کرده است (همو: ج ۷۷، ۶۴).

علامة الدين و علامة الايمان: رسول خدا (ص) فرمودند: «علامة الايمان فاربعة الاقرار بتوحيد الله و الايمان به و الايمان بكتبه و الايمان برسله» (حرانی ۱۳۸۲: ۱۹). علامت ایمان چهار چیز است: اقرار به یگانگی خدا و اعتقاد قلبی به خدا و کتاب‌های او و پیغمبرانش. در حدیث سلسله الذهب امام صادق (ع) از امام علی (ع) نقل می‌کند که فرمود: «ان لاهل الدين علامات يعرفون بها: صدق الحديث و الاداء و الامانة و الوفاء با لعهد و صلة الرحم و رحمة الضعفاء و قلة مواتاة النساء و بذل المعروف و حسن الخلق و سعة الحلم و اتباع العلم و ما يقرب الى الله عزوجل، طوبى لهم و حسن مآب» (مجلسی ۱۴۰۴: ج ۶۷، ۲۸۹). برای اهل دین و دینداران واقعی نشانگانی است که با آنها شناخته می‌شوند: راستگویی، امانت داری، وفا ی به عهد، صلح ی رحم، دلسوزی و شاکت نسبت به ضعیفان، پرهیز از افراط در زناشویی، بخشش به اندازه، حسن خلق، حلم و بردباری گسترده، پیروی از علم و آنچه وی را به خدا نزدیک می‌سازد. خوشا به حالشان، آنان عاقبت به خیرند. امام رضا (ع) نیز در مورد علائم دینداری ائمه (ع) می‌فرماید: «فیما کتب الرضا (ع) للمؤمن قال: و من دین الائمه الورع و العفة و الصدق و الصلاح و طول السجود» (همو: ج ۸۵، ص ۱۶۲). از جمله نشانگان ائمه (ع) داشتن مجموع این صفات با هم است: پرهیز از گناه، پاکدامنی، راستی، شایستگی و نیکی و سجده‌های طولانی در نماز. امیر المؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «علامة الايمان أن تؤثر الصدق حيث يضرك على الكذب حيث ينفعك، و الى يكون في حديثك فضل من عملك، و أن تتقى الله في حديث غيرك» (دشتی ۱۳۸۳: ۵۲۸). نشانه ایمان آن است که راستگویی را در آنجا که به تو زیان می‌رساند، بر دروغ در آنجا که به نفع تو است، مقدم داری و اینکه گفتارت پیش از عملت نباشد و دیگر اینکه به هنگام سخن درباره دیگری از خدا بترسی. امام صادق (ع) عبادت‌هایی را که افراد بر اساس عادت انجام می‌دهند علامت

دینداری در سطح بالا ندانسته، بلکه راستگویی و امانت داری را در درجه دینداری آنان شرط دانسته است و می‌فرماید: «لا تنظروا الی طول رکوع الرجل و سجوده فان ذلک شیء قد اعتاده، فلو ترکه استوحش لذلک و لکن انظروا الی صدق حدیثه و اداء امانته» (مجلسی ۱۴۰۴: ج ۶۸، ص ۸). برای شناخت دینداری به طولانی بودن رکوع و سجود فرد نگاه نکنید زیرا که بر اساس عادت از او صادر می‌شود و حتی اگر یک روزی آن را ترک کند به وحشت می‌افتد شما ببیند او در راستگویی و ادای امانت چگونه است (فقیهی، شکوهی یکتا، خدایاری فرد، غباری؛ بناب ۱۳۸۵: ص ۱۲-۲۱).

با تأمل در واژگان محوری مراتب دینداری می‌توان دریافت که به موازات مؤلفه‌های دینداری، مراتب دینداری نیز مؤلفه‌هایی دارند. بنابراین مؤلفه‌های اصلی مراتب دینداری سه دسته‌اند که با توجه احادیث فوق می‌توان آنها را به شرح ذیل دسته‌بندی کرد:

یک) بُعد شناختی؛ در احادیث فوق در بُعد شناختی، یقین نیکو به خدا، شناخت و باور به توحید، دانش طلبی، خرد مندی، یقین، پیروی از علم و ... مطرح گردیده است. دو) بُعد عاطفی؛ در احادیث فوق دوستی و دشمنی به خاطر خدا، کوتاه کردن آرزوهای دنیوی، مراتب شکیبایی، شفقت نسبت به ضعیفان، نترسیدن از نکوهش دیگران، احساس بی‌نیازی به مال مردم و... مطرح گردیده است. سه) بُعد عملکردی؛ در بُعد عملکردی بر راستگویی، خوش اخلاقی، رفع نیاز مؤمنان، وفای به عهد، قناعت کردن، ادای امانت، پرهیز از گناه و... تأکید شده است.

راهکارهای پرورش مطلوب دینداری

در دینداری توجه به این نکته حائز اهمیت است که پرورش و مراقبت ناشایست موجب می‌شود، دینداری تحت فشار غرایز و شهوت‌ها و دسیسه‌ها، مدفون یا در تاریک روشن فتنه‌ها به مسیر انحرافی کشیده شود. در این میان رسالت همه

دینداران، بررسی راه‌های مؤثر و مطلوب در شکوفایی هر چه بیشتر دینداری است. اگر اقدامات لازم در این قلمرو انجام نگیرد با جایگزینی جاذبه‌های غیر دینی، دین از متن زندگی به حاشیه رانده خواهد شد. بر همین اساس در دنباله کلام به بررسی راهکارهای مهم در راستای پرورش مطلوب دینداری پرداخته شده است:

۱. اصلاح بینش آدمی در مبانی نظری

اصلاح بینش دینی افراد در خصوص انسان، جامعه و دنیا یکی از راه‌های پرورش دینداری می‌باشد. در زمینه‌ی بینش دینی در رابطه با انسان، باید بینش انسان نسبت به این که موجودی آزاد و انتخابگر آفریده شده و این انتخاب‌گری ذاتی اوست اصلاح شود. علامه طباطبایی ذیل آیه ۳ سوره نساء انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا می‌فرماید: «تعبیر اما شاکرا و اما کفورا، بر آن دلالت دارد که آن سبیلی که خدا بدان هدایت کرده، سبیلی است اختیاری، و شکر و کفری که مترتب بر این هدایت است در جو اختیار انسان قرار گرفته، هر فردی به هریک از آن دو که بخواهد می‌تواند متصف شود و اگر او اجباری در کارش نیست» (طباطبایی ۱۳۶۳: ج ۲، ۱۹۶).

همین طور از آیات کریمه قرآن استفاده می‌شود که اجتماعی بودن انسان در متن خلقت و آفرینش او پس ریزی شده است. در سوره مبارکه حجرات آیه ۱۳ می‌فرماید: یا ایها الناس انا خلقناکم و ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبایل لتعارفوا ان اکرمکم عند الله اتقاکم ای مردم، شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا به این وسیله یکدیگر را باز شناسید همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا متقین‌ترین شماست. در این آیه کریمه ضمن یک دستور اخلاقی، به فلسفه آفرینش خاص اشاره می‌کند به این بیان که انسان به گونه‌ای آفریده شده که به صورت گروه‌های مختلف ملی و قبیله‌ای در آمده، با انسب ملیت‌ها و قبیله‌ها باز شناسی یکدیگر که شرط لا ینفک زندگی اجتماعی است صورت می‌گیرد پس

انتساب به شعب‌ها و قبیله‌ها حکمت و غایت طبیعی دارد و آن تفاوت و باز شناسی افراد از یکدیگر است که شرط لاینفک زندگی اجتماعی است نه تفاخر و مایه برتری شمردن‌ها (مطهری ۱۳۷۴: ۲۱ و ۲۲). در زمینه اصلاح بینش دینی به دنیا رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «الدنيا مزرعة الآخرة» (مجلسی ۱۴۰۴: ج ۶۷، ۳۵۳). دنیا کشتگاه آخرت است و دل انسان زمین آماده کشت است و ایمان هم بذری است که در این زمین افشاندن می‌شود و طاعات و عبادات به منزله شخم و آماده نمودن و پرورش زمین و بذر است. روز قیامت هم فصل خرمی و زمان دست یابی به حاصل است و رشد و نمو زراعت از طریق بذر ایمان است آن هم در دلی پاک و آماده.

۲. آراستن ظاهر و دقت در رعایت ظواهر دینداری

اصل آراستگی بیانگر آن است که باید صورت آنچه را عرضه می‌شود نیک آراست تا رغبت‌ها نیز برانگیخته شود. مفهوم تزئین که به همین اصل مربوط می‌شود، در قرآن به چند معنا به کار رفته است. گاه مقصود از آن، صرفاً جنبه روانی مسئله است که ممکن است کاملاً وهمی باشد. اما گاه مفهوم تزئین بیشتر معطوف به واقعیت است (باقری ۱۳۸۸: ج ۲، ۱۵۰-۱۶۰). قرآن کریم می‌فرماید: ﴿یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد﴾ (اعراف: ۳۱) ای فرزندان آدم، زیورهای خود را در مقام هر عبادت به خود بر گیرید». در تفسیر آیه آمده است: «یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد» ای اولاد آدم، لباس‌های نو و زیبای خود را در نماز جمعه و نماز عید، بر تن بیوشید. این معنی از امام باقر (ع) است. برخی گفته‌اند منظور تمام نمازهاست. عیاشی به اسناد خود روایت کرده است که امام حسن مجتبی (ع) هر وقت به نماز بر می‌خواست، بهترین لباس‌های خود را می‌پوشید. علت را جویا شدند، فرمودند: «ان الله جمیل یحب الجمال فاتجمل لربی و یقول خذوا زینتکم عند کل مسجد فاحب ان البس اجود ثیابی» یعنی خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد، من برای خدایم خود را می‌آرایم. او می‌گوید: زینت خود را در هر نمازی به تن کنید من هم دوست

دارم بهترین لباسم را بیوشم. از امام صادق (ع) روایت شده که منظور شانه کردن است (طبرسی ۱۳۷۲: ج ۹، ۸۸). امام علی (ع) فرمودند: «التجمل من اخلاق المؤمنین» (حکیمی، آرام ۱۳۸۰: ج ۶، ۲۱۷). آراستگی از اخلاق مؤمنین است.

در روایت آمده است: «سئل ابو الحسن الرضا (ع) عن قول الله عزو جل -خذوا زینتکم عند کل مسجد -قال من ذلک المتشط عند کل الصلاة» (صدوق ۱۴۰۴: ج ۱، ۱۲۸). از امام رضا (ع) سؤال شد در مورد فرمایش خداوند عزو جل خذوا زینتکم عند کل مسجد فرمودند: از جمله آن زینت‌ها شانه زدن بر مو برای هر نمازی است. اما علامه طباطبایی در تفسیر آیه، زینت را به سایر وجوه عبادات نیز نسبت می‌دهد و می‌نویسد: «یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد معنای به همراه داشتن زینت در موقع رفتن به سوی مسجد آرایش ظاهری نیست، بلکه آرایشی است معنوی که مناسب با نماز و طواف و سایر عبادات باشد. پس معنای آیه بر می‌گردد به امر زینت کردن نیکو برای نماز و غیر آن و اطلاق آن شامل نماز اعیاد و جماعات و نمازهای یومیه و سایر وجوه عبادات و ذکر می‌شود (طباطبایی ۱۳۶۳: ج ۸، ۹۸ و ۹۹). بنابراین آراستن ظاهر به تمام وجوه عبادت اطلاق می‌شود، وجوهی که با آراستن آنها پرورش مطلوب دینداری حاصل می‌آید.

۳. مرز شناسی و مرزبانی (رعایت شناخت حدود الله)

کلمه حد به معنای حاجز و مانع و فصل و پرده میان دو چیز است که اجازه نمی‌دهد، یکی با دیگری اختلاط پیدا کند (راغب اصفهانی ۱۳۹۲: ۱۰۹). آنچه در زندگی پیامبر به عنوان اصلی مطلق در تمام امور و کلیه مراحل مشاهده می‌شود، اصل حفظ حدود و مرزهای الهی است. این اصل نه تنها در برخورد با مؤمنان و مسلمانان که در برخورد با کافران و مشرکان و حتی دشمنان حربی نیز لازم است رعایت شود. همه چیز باید در حدود تعیین شده قرار گیرد و هیچ کس حق تعدی آنها را ندارد. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿تلك حدود الله فلا تقربوها﴾ (بقره: ۱۸۷) «این حدود خداست مبسداً به

آنها نزدیک شوید». خداوند این چنین بر حفظ حدود خود تأکید می‌کند تا اهل ایمان مرزهای الهی را بشناسند و آنها را پاس دارند. بنابراین، باید مرزها را شناخت و مرزبان بود. مرز شناسی از مبانی اعتقادی است و اسلام مجموعه‌ای از مرزهاست و مؤمن راهرو در مرز؛ هرگز مرزها را نمی‌شکند و از آنها عدول نمی‌کند. آموزش مرزبانی از مهم‌ترین امور دینداری است. در این باره از رسول خدا روایت شده است که فرمود: «إن الله يحب أن يؤخذ برخصه كما يحب أن يؤخذ بعزائمه إن الله بعثني بالحنيفة السحمة دين إبراهيم» (متقی هندی ۱۴۰۹: ج ۳، ۶۶۹) خداوند دوست دارد در اموری که مردم را آزاد گذاشته است آنان آزاد باشند، همان طور که دوست دارد اموری که مشخص و تعیین کرده است، رعایت شود [و زیر پا گذاشته نشود]، همانا خداوند مرا به دین حنیف و آسان ابراهیم برانگیخته است. آن‌گاه این آیه را خواند: «و ماجعل علیکم فی الدین من حرج» (حج: ۷۸۹). و بر شما در کار دین هیچ تنگی و دشواری ننهاده است (دلشاد تهرانی ۱۳۸۳: ج ۱، ۷۳-۹۲).

بنابراین لازم است مرزها شناخته و تفکیک شود و در این میان مهم‌ترین موضوع، شناخت اصول کلی عملی است، اصولی که پاس‌گویی حرکت به سوی کمال و راهنمای عمل ایمانی است و باید همه مرزها را پاس داشت تا به کمال رسید. پس هم باید مرزهای کلی را پاس داشت و هم مرزهای جزئی را، و در همه اینها نیز باید روح دین و هدف و غایت آن که بندگی و عبودیت است حفظ شود. حدود و اصول نیز در این جهت مقرر شده است. بدین ترتیب اسلام دین اصول و دین حدود است [همان: ۹۴ و ۹۵].

۴. کنترل نفس و شناخت هواهای نفسانی

به هوای نفس در منابع روایی اسلام توجه فراوانی شده است و بیشتر آنها بیانگر هشدار درباره پیامدهای خطرناک آن است. این احادیث روشن می‌سازد که کنترل نکردن هوای نفس از عوامل تضعیف دینداری افراد و گسترش گناه در جامعه است.

در بیان اهمیت کنترل نفس امام علی (ع) می‌فرماید: «اقوی الناس اعظمهم سلطانا علی نفسه» [آمدی ۱۳۷۳: ج ۱، ۱۹۶]. تواناترین کسان، بزرگترین آنان است در کنترل نفس.

در مورد پیامدهای شهوت پرستی (هوای نفسانی) امام علی (ع) می‌فرماید: «طاعه الشهوة تفسد الدین» (آمدی ۱۳۶۶: ج ۱، ۲۰۲). فرمانبرداری از شهوات نفسانی، دین را فاسد می‌کند. «طاعه الهوی تفسد العقل» [همان، ج ۲، ص ۹۶۴]. فرمانبرداری از شهوت نفسانی عقل انسان را فاسد می‌کند.

برای کنترل نفس در احادیث معصومین مواردی ذکر شده است:

تحکیم پایه‌ای عقل و ایمان، انسان را قادر به کنترل شهوات می‌کند، در این خصوص امیر المؤمنین (ع) می‌فرماید: «من کمل عقله استهان بالشهوات» (آمدی ۱۳۷۳: ج ۷، ۱۸۸). کسی که عقلش کامل شود، شهوت را کوچک و بی‌ارزش می‌شمرد. همچنین فرموده‌اند: «کلما قویت الحکمه ضعف الشهوة» [همسو: ج ۴، ۶۲۲]. هر قدر حکمت و دانش انسان تقویت شود، شهوات و تمایلات سرکش او ضعیف می‌گردد.

احیای شخصیت معنوی و انسانی افراد جامعه نیز از راه‌های کنترل نفس می‌باشند، زیرا انسان هنگامی که ارزش وجودی خود آگاه شود به این سادگی خود را به شهوات نمی‌فروشد. امام علی (ع) در این رابطه می‌فرماید: «من کرمت علیه نفسه هانت علیه شهوته» (مجلسی ۱۴۰۴: ج ۷۸، ۷۱). کسی که به ارزش وجودی خویش پی برد، شهوات در برابر او بی‌ارزش می‌شوند.

۵. شناخت راه‌های نفوذ شیطان (دشمن شناسی)

یکی از شناخت‌های ضروری و تعیین‌کننده در زندگی انسان که سعادت انسان نیز ارتباط پیدا می‌کند دشمن شناسی است. از قدرتمندترین دشمنان انسان شیطان است که قرآن مکرراً به دشمنی او تصریح کرده است «إن الشیطان للانسان عدوا مبینا» (یوسف: ۵؛ نور: ۲۱؛ فاطر: ۶؛ اسراء: ۵۳ بقره: ۲۰۸) و ...

تمام سعی شیطان بر آن است که نگذارد بینش‌ها و گرایش‌های فطری که همچون حبلی در درون انسان جای گرفته‌اند بافته شوند یا اگر این احکام فطری تا حدی در جان آدمی استقرار یافته‌اند، تار و پودهای آن را از یکدیگر جدا کند. شیوه رهزنی او تنها یک مقصد را دنبال می‌کند و آن کوشش در به فعالیت رساندن قوهٔ ردایل و محور زیبایی ذاتی ایمان است که در فطرت همهٔ انسان‌ها وجود دارد. او از طریق وسوسه کردن (اعراف: ۲۰-۲۱)، فریب دادن (اعراف: ۲۷)، (محمد: ۲۵)، زینت دادن کارهای بد (حجر: ۳۹)، (انعام: ۴۳)، (انفال: ۴۸) و... وعده‌های دروغین (ابراهیم: ۲۲)، باز داشتن از یاد خدا (انعام: ۶۸) و (مجادله: ۱۹)، امر به اعمال زشت (بقره: ۲۶۸)، (نور: ۲۱) و... بزرگ کردن آرزوها و تمنیات واهی (نساء: ۱۱۹) آدمی را از صراط مستقیم دور می‌سازد. مهم‌ترین کمین‌گاه شیطان قوهٔ خیال آدمی است. شیطان برای آن که بتواند به درون انسان راه بیابد، وهم و خیال را به جای عقل و موهون و متخیل را به جای معقول می‌نشاند و آدمی را گرفتار مغالطه و مجادله می‌کند. شیطان با نفوذ در آن، چیزهای زشت را زیبا نشان می‌دهد و زیورهای جزئی طبیعت را برای انسان جالب و جذاب می‌نماید و به این طریق او را فریب می‌دهد و گمراه می‌سازد (کاشفی ۱۳۸۴: ۱۶۵-۱۶۸). از دیگر راه‌های نفوذ شیطان می‌توان از دعوت به کفر و ارتداد (حشر: ۱۶)، التقات و تحریف دین الهی، حرام شمردن حلال خداوند و مستند ساختن آن به خداوند (بقره: ۱۶۹)، داوری بردن نزد طاغوت (نساء: ۶۰)، دعوت به خیر با ترغیب آدمی به مستحبات که او را از انجام واجبات باز می‌دارد و سوگند دروغ مبنی بر خیر خواهی (اعراف: ۳۱)، تسهیل گناه (محمد: ۲۵)، زمینه سازی و تفرقه افکنی میان امت (قصص: ۱۵) را نام برد (محمدی آشنانی ۱۳۸۴: ۷۰ و ۸۸).

۶. تقویت عزت نفس و پرهیز از اموری که ذلت آور است

از جمله ویژگی‌های بارز یک مؤمن، عزت نفس و بی‌نیازی از خلق خداست که تقویت این ویژگی از سوی اشخاص موجب پرورش مطلوب دینداری می‌شود. عزت

بالاصاله از آن خداوند است و بالافاضه از آن مؤمنان. خداوند می‌فرماید: «من کان یرید العزه فله العزه جمیعا. (فاطر: ۱۰) هر که بزرگی و ارجمندی خواهد پس بداند که بزرگی و ارجمندی همه از آن خداست و به هر که خواهد دهد». سیاق آیه در مقام بیان این مطلب است که هر کس خواهان عزت است، باید از خداوند بخواهد. (دلشاد تهرانی ۱۳۸۳: ج ۱، ۵۱۷). علامه طباطبایی در بیان معنای عزت و مفاد آیه می‌نویسد: «راغب در کتاب مفردات می‌نویسد: کلمه عزت به معنای آن حالتی است که نمی‌گذارد انسان شکست بخورد و مغلوب شود. حال که معنای لغوی کلمه عزت معلوم شد می‌گوییم، عزت به معنای اول، یعنی این که چیزی قاهر باشد و نه مقهور، یا غالب باشد و شکست‌ناپذیر، مختص به خدای عز و جل است، چون غیر از خدای عز و جل، هر کسی را فرض کنی در ذاتش فقیر، و در نفسش ذلیل است، و چیزی را که نفعش در آن باشد مالک نیست، مگر آنکه خدا به او ترحم کند، و سهمی از عزت به او بدهد، همچنان که همین کار را با مؤمنین به خود کرده، و فرموده: «و الله العزه و لرسوله و للمؤمنین. (منافقون: ۸)» «عزت خاص خدا و رسول خدا و مؤمنین است». با این بیان روشن شد که جمله معنایش این است که هر کس عزت می‌خواهد باید از خدای تعالی بخواهد، زیرا عزت همه‌اش ملک خداست، و هیچ موجودی نیست که خودش بالذات عزت داشته باشد (طباطبائی ۱۳۶۳: ج ۱۷، ۲۷ و ۲۸).

امام علی (ع) می‌فرماید: «من کرمت علیه نفسه لم یهنها بالمعصیه» (آمدی ۱۳۷۳: ج ۷، ۱۲۸). آن کس که بزرگی و کرامت نفس خود را باور داشته باشد آن را با گناه پست و ذلیل نخواهد کرد. برای حفظ اجتماع مسلمانان و تقویت ارتباط دینی و جلوگیری از شیوع گناه باید روحیه عزت و کرامت نفس را در جامعه تقویت کرد. تمنا کردن از دیگران، از شخصیت و بزرگی آدمی می‌کاهد و بر این اساس اسلام دستور داده است تا آنجا که می‌توانید دست نیاز به این و آن دراز نکنید. پیشوایان حق در سخت‌ترین شرایط جز در مقابل خداوند از کسی ترحم نخواستند آنان به پیروان خود آموختند که عزت مؤمن در بی‌نیازی از مردم است. نبی مکرم اسلام (ص)

می‌فرماید: «عز المؤمن استغناءه عن الناس» (حرانی ۱۴۰۴: ۸۹). عزت مؤمن در بی‌نیازی از مردم است (هادی منش: شماره ۵۱). ریشه همه تباه‌گری‌ها در ذلت نفس است و از این رو بهترین راه اصلاح فرد و جامعه عزت بخشی و عزت آفرینی است. اگر انسان به عزت الهی عزیز شود، از همه ناراستی‌ها وارسته می‌گردد و نفوذ ناپذیر در برابر باطل و گناه، و محکم و استوار بر حق می‌شود. اگر آدمیان ریاکاری می‌کنند، اگر ستم‌گری می‌کنند، اگر مرتکب گناه می‌شوند... همه و همه ریشه در ذلت نفسشان دارد (دلشاد تهرانی ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۵۱۵).

در احادیث معصومین (ع) رابطه مستقیم و تنگاتنگ میان تقوی و عزت وجود دارد و هر چه بر آن افزوده شود، این فزونی می‌یابد. پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «من اراد ان یکون اعز الناس فلیتق الله» (کراجکی ۱۴۱۰: ج ۱، ۳۵۱) هر که دوست دارد با عزت‌ترین مردم باشد پس تقوی الهی پیشه کند. تقوی الهی در ارجمندی آدمی چنان نقش آفرین است که از امیر مؤمنان (ع) وارد شده است که فرمود: «لا عز اعز من التقوی» (همو: ۵۵۴). هیچ عزتی، عزت بخش تر از تقوی نیست.

۷. اقامه دقیق مناسک و شعائر دینی

اقامه دقیق مناسک و شعائر دینی موجب می‌گردد توجه انسان به خدا عمیق‌تر و پایدارتر شود و احساس حضور در محضر خداوند برای انسان لذت بخش‌تر باشد. از جمله مناسک و شعائر دینی می‌توان از نماز نام برد که برترین توجه و ذکر نسبت به خداوند است و در خود نماز، سجده بالاترین میزان قرب را فراهم می‌آورد. لذا در قرآن توصیه شده است که: ﴿و لا تطعه و اسجد و اقترب﴾ (علق: ۱۹) «چنین نیست تو هیچ از او اطاعت مکن، به نماز و سجده خدا بپرداز و به حق نزدیک شو». علامه طباطبایی در تفسیر آیه می‌نویسد: «معنای جمله لا تطعه این است که ای پیامبر او را در نهی از نماز اطاعت مکن، و این خود قرینه‌ای است بر اینکه مراد از جمله «و اسجد» سجده کردن در نماز است و چه بسا نمازی که رسول خدا در آن

ایام خواننده مرکب از همین دو عنوان، یعنی سجده و تسبیح بوده است (طباطبایی ۱۳۶۳: ج ۳، ۵۴۴). اقامه مناسک و شعائر دینی در پرورش دینداری تا جایی اهمیت دارد که قرآن کریم اقامه‌کنندگان آنها را مؤمنین یا دینداران واقعی معرفی می‌کند. در سوره انفال دینداران حقیقی چنین معرفی می‌شوند: ﴿انما المؤمنون اذا ذکر وجلت قلوبهم و اذا تلیت علیهم آیاته زادتهم ایمانا و علی ربهم یتوکلون﴾ (الذین یقیمون الصلوة و مما رزقناهم ینفقون) (انفال: ۲-۳). «مؤمنان حقیقی آنان‌اند که چون ذکر از خدا شود دل‌هاشان ترسان و چون آیات خدا را بر آنها تلاوت کنند بر مقام ایشان بیفزاید و به خدای خود در هر کاری توکل کنند» آنان که نماز را برپا می‌دارند و از هر چه روزی آنها کرده‌ایم انفاق می‌کنند». در این دو آیه و آیه بعدی آنها خصایص و امتیازات مردانی را که به معنای حقیقی کلمه مؤمن هستند بیان نموده و از میان همه صفات ایشان پنج صفت را انتخاب و در این آیه ذکر شده است... آن صفات عبارت است از: ۱. ترسیدن و تکان خوردن دل در هنگام ذکر خدا ۲. زیاد شدن ایمان در اثر استماع آیات قرآن ۳. توکل ۴. برپاداشتن نماز ۵. انفاق از آنچه خدا روزی فرموده

وقتی ایمان به حد کاملش در درون مستقر گردید قهرا انسان به سوی عبودیت معطوف گشته و پروردگار خود را به خلوص و خضوع عبادت می‌کند و این عبادت همان نماز است، به علاوه، به سوی اجتماع نیز معطوف گشته، حوائج اجتماع خود را بر آورده می‌کند و نواقص و کمبودها را جبران می‌نماید، و از آن چه ارزانی‌اش داشته از مال و علم و غیر آن انفاق می‌کند و آیه ﴿الذین یقیمون الصلوة و مما رزقناهم ینفقون همین معنا را می‌رساند﴾ [همو: ج ۹، ۱۱]. امام صادق (ع) نیز در روایتی فرموده است «بنی الاسلام علی خمسة دعائم علی الصلوة و الزکوة و الصوم و الحج و الولاية امیر المؤمنین و الائمة من ولده» (مجلسی ۱۴۰۴: ج ۱، ۳۷۰). اسلام بر پنج ستون و رکن بنا شده است، بر نماز و زکات و روزه و حج و ولایت امیر المؤمنین (ع) و دیگر امامان.

از آیات و حدیث فوق به دست می‌آید که مناسک و شعائر دینی مانند نماز، زکات و... از ارکان اسلام هستند که دقت در اقامه آنها در نهایت به پرورش دینداری به نحو مطلوب می‌انجامد.

نتیجه‌گیری

مجموع تعالیم عقیدتی، اخلاقی و دستورالعمل‌هایی که خداوند به وسیلهٔ رسولان، برای هدایت بشر فرو فرستاده دین نامیده می‌شود، و دیندار کسی است که واجد همهٔ اینها باشد و به آنها گردن نهد، تعالیم دینی را بشناسد، به آموزهای عملی آنها پایبند باشد و به آنها عمل کند. اگر کسی بخواهد واقعاً دیندار باشد، باید به این سه که مقتضای دینداری است عمل کند. در مقولهٔ دینداری، بحث‌های فراوانی مطرح است. افزون بر بحث حقیقت ایمان و دینداری، مؤلفه‌های دینداری و مراتب دینداری از بحث‌های مهم در رابطه با این مقوله هستند که در این پژوهش با رویکرد درون دینی به آنها پرداخته شد.

مؤلفه‌های دینداری که از متن قرآنی و حدیثی استنباط شده است، همان پایبندی و انقیاد به مجموعهٔ قواعد اعتقادی، اخلاقی و احکام است که عناصر اصلی دین را تشکیل می‌دهد.

در بررسی مراتب دینداری در بُعد شناخت بر شناخت یقینی، باور به خدا و وحدانیت او که پایه بنیادی برای سایر امور اعتقادی است بیشتر تأکید شده است و در بُعد عواطف بر محبت به خدا، رسول خدا و اهل بیت بیشتر تأکید شده است و در بُعد عملکردی؛ نماز، راستی و راستگویی، بیشتر بدان توجه شده است. در بیان راهکارهای پرورش دینداری، روش‌ها در باب دو امر بیان شده‌اند: یکی مناسک و شعائر دینی که ارزش‌های آلی و ابزاری هستند و دیگری رفتارهای اخلاقی و دینی که ارزش‌های فرجامین هستند که کاربرد همه این روش‌ها با هم در نهایت موجب پرورش مطلوب دینداری خواهد شد.

منابع و مآخذ

- آمدی، عبدالواحد تمیمی (۱۳۶۶)، *تصنیف غررالحکم و دررالکلم*، قم: دفتر تبلیغات.
- محمد خوانساری (۱۳۷۳) ج ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۹۵، شرح تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ابن ابی الحدید (۱۳۸۵)، *شرح نهج البلاغه*، بیروت: دارالاحیاء التراث.
- ابن ابی فراس، ورام، [بی تا]، *مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)*، ج ۱، قم: مکتبه فقیه.
- باقری، خسرو (۱۳۶۶) *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، ج ۱، تهران: مدرسه.
- پل ویلهم، ژان (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی ادیان*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: مؤسسه تبیان.
- جنتی، احمد (۱۳۸۲)، *تحف العقول*، ترجمه جنتی، تهران: مؤسسه امیرکبیر.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲)، *شریعت در آئینه معرفت*، قم: مرکز نشر اسراء.
- جعفری (علامه) (۱۳۸۰)، *ترجمه نهج البلاغه*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حرانی، ابن شعبه، حسن بن علی بن الحسین (۱۴۰۰)، *تحف العقول*، ترجمه فارسی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: کتابفروشی اسلامییه.
- حکیمی - آرام، اخوان - احمد (۱۳۸۰)، *الحیة*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- دشتی، محمد (۱۳۸۳)، *ترجمه نهج البلاغه*، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۳)، *سیره نبوی (منطق عملی)*، تهران: دریا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۹۲)، *معجم مفردات الفاظ القرآن*، دارالکتب العربی، چاپ و صحافی قم: اسماعیلیان.
- سبزواری، محمد (۱۴۱۳)، *جامع الاخبار*، قم: مؤسسه آل البيت.
- شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۸)، *التوحید للصدوق*، قم: جامعه مدرسین.
- الخصال (۱۴۰۳)، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- من (۱۴۰۴)، *لا یحضره الفقیه*، ج ۱، قم: جامعه مدرسین.
- طباطبایی (علامه)، سید محمد حسین (۱۳۶۳)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۲ - ۱۰-۹-۱۸، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: بنیاد علمی و فکری

علامه طباطبایی.

- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- طریحی، فخر الدین (۱۳۶۲)، مجمع البحرین، تهران: کتاب فروشی اسلامیة.
- فقهی - شکوهی یکتا - خدایاری فرد - غباری بناب، علی نقی - محسن - محمد - باقر (۱۳۸۵) «بررسی مراتب دینداری در متون حدیثی»، فصلنامه علمی پژوهشی انجمن معارف اسلامی، سال دوم، شماره سوم.
- کاشفی، محمد رضا (۱۳۸۴). نگاهی قرآنی به دوست و دشمن، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۳۵)، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی اهل بیت، ج ۲، تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴)، بحار الانوار، ج ۴-۷-۲۳-۲۵-۲۷-۶۴-۶۸-۶۹-۷۷-۷۸-۹۳، بیروت: دار التراث الاحیا العربی.
- مرآة (۱۳۶۳)، العقول، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- محمدی آشنانی، علی (۱۳۸۴)، ابلیس دشمن قسم خورده، قم: بوستان کتاب.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مفید، محمد بن نعمان (۱۴۰۴)، کتاب الامالی، قم: المطبعة الاسلامیه.
- متقی هندی، علاء الدین علی (۱۳۸۹)، کنز العمال فی سنن القوال الافعال، بیروت: مکتبه التراث الاسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی (۵): جامعه و تاریخ، انتشارات صدرا.
- نرم افزار گنجینه روایات نورو منهج النور، مرکز تحقیقات علوم کامپیوتری، قم.
- هادی منش، ابوالفضل، «پژوهشی درباره عزت نفس و مناعت طبع»، [نمایه] نشریه شمیم یاس، ۵۱.